



۲۰۱۹/۰۴/۰۴



ملک الشعراء محمد نسیم اسیر

طنز تیمم، یا وضو؟



در ورقپاره های گذشته، نظرم را منظومه انتقادی طنزگونه بی جلب کرد که پوره نیم قرن و چار و نیم سال پیش در مورد ناپاکی دریای کابل و انتقاد از شاروالی سروده و در روزنامه انیس انتشار یافته است، چون وضع همان دریا که از قلب کابل عزیز می گذرد، خرابتر و ناپاکتر از پیش گردیده است، می خواهم برای زنده شدن خاطره ها و ندایی بر شاروالی فعلی کابل به حیث تکرار حسن تقدیم دوستان کنم:

شنیدم که یکروز، کاکا «رجب» روان بود خنده کنان با «عجب»
در آن فرصت شام، وخت نماز همی کرد با همدم خویش، راز
که ناگاه در حین آن چون و چند ز مسجد صدای اذان شد بلند
رجب خان چو بشنید بانگ اذان به تسبیح حق کرد جاری زبان
مؤذن چو صل علا کرده بود قضا را وضویش قضا کرده بود
به فکر وضو، هر طرف در شتاب سراسیمه می گشت از بهر آب
چو چشمش به دریای کابل فتاد تو پنداری در چنگ او گل فتاد
فرود آمد از «دگه» و شادمان بشد جانب آب دریا روان
که تا با طهارت به مسجد شود برای جماعت مساعد شود
به آن آب دریا چو نزدیک شد بچشمش جهان تنگ و تاریک شد

۱- دیوار های سنگی کنار دریا را مردم، «دکه» دریا می گفتند

به پائین و بالا نظر تا فگند همه آب، اما نه آب طهور چنان آب کز، رو بَرَد آبرو چو دید آب دریا به ظاهر روان بگفتا که آبست، آب حرام چسان پا کنم اندرین آب، در به خود گفت، به که تیمم کنم به پهلوی دریا تیمم کنان به مسح سر و دست مشغول بود که ناگه برو محتسب بانگ زد به نزدیک آب این تیمم ز چیست که بنشسته پهلوی آب روان کی گفته ست اینجا تیمم کنی به حکم شریعت ترا «حد» زخم رجبان سر و برگ انکار داشت به چندین روایت ز چندین امام که چون آب دیدی، تیمم خطاست بدینسان سر گفت و گو چاق بود یکی با جواب، دگر با سوال به این گفت و گو و به این ماجرا بلی! محتسب، بر سر مستحب بشد مانع فرض «کاکا رجب»

م. نسیم «اسیر» ۲۲ عقرب ۱۳۴۴ ش، کابل عزیز

تذکر:

هرگاه خوانندگان محترم متمایل باشند که نبشته ها و سروده های دیگری از این شاعر معزز را مطالعه کنند، می توانند با اجرای "کلیک" بر عکس نویسنده در صفحه مقالات، به فهرست "آرشیف" شان رهنمائی شوند!

طنز تیمم یا وضو

assir_nacim_tanze_tayamon_ya_wozoo.pdf